

## کلان‌روندهای سیاسی منطقه غرب آسیا و اثرگذاری آن بر ساختار قدرت منطقه‌ای

بهرام اخوان کاظمی<sup>۱</sup> و سجاد محسنی<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

### چکیده

بی‌ثباتی در منطقه غرب آسیا و افزایش عدم قطعیت‌ها سبب شده تا میزان زیادی از حوزه دید تصمیم‌گیران سیاسی در منطقه کاهش پیدا کند. بر همین اساس روندپژوهی به‌عنوان رویکردی که می‌تواند بر اساس متغیرهای ثابت قدرت پیش‌بینی را افزایش دهد، موردتوجه قرار گرفته است. در چنین شرایطی این سؤال اصلی مطرح می‌شود که آینده منطقه غرب آسیا در افق میان مدت چگونه خواهد بود؟ برای پاسخ به این سؤال کلان‌روندهای سیاسی جهانی و منطقه‌ای در قالب، روند بحران‌آمیز بودن جانشینی سیاسی در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، اقتصادی شدن مشروعیت سیاسی و شکننده بودن حاکمیت‌های دارای بحران اقتصادی، جایگاه علم و فناوری در آینده قدرت منطقه‌ای، نفوذ الگوی حکمرانی چینی به‌عنوان بدیلی برای لیبرال دموکراسی غربی در منطقه، بحران‌های زیست‌محیطی و جریان‌های فکری و اجتماعی جدید و در نتیجه بحران زی شدن سیاست داخلی، سیالیت اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و بی‌اعتمادی به ساختارها و سازمان‌های منطقه‌ای رسمی مانند شورای همکاری خلیج فارس و تضعیف آن‌ها و در نهایت سازمان‌گریزی و رسمیت زدایی قدرت و نفوذ سیاسی رسمی موردتوجه قرار می‌گیرند. در مطالعه پیش رو از رویکرد روندپژوهی برای بررسی روندهای سیاسی استفاده شده که مبتنی بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و منابع معتبر در حوزه سیاست منطقه‌ای به موضوع است.

**کلیدواژه‌ها:** غرب آسیا، مشروعیت سیاسی، روندپژوهی، کلان‌روندهای سیاسی، ساختار قدرت.

۱. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز Kazemi@shirazu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس Mohseni.Sajad66@Gmail.com

## مقدمه

کلان‌روندهای سیاسی یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که بر روندهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی زیست‌محیطی تأثیرگذار است. کلان‌روندهای سیاسی رفتار برجسته دارند، برخی از این کلان‌روندها تحت تأثیر فشار ساختاری رفتاری واحد دارند که تا حدود زیادی به کلان‌روندهایی جهانی تبدیل می‌شوند، در مقابل اما برخی از کلان‌روندهای سیاسی خاصیت منطقه‌ای و بومی دارند. وضعیت خاص ژئوپلیتیکی، ساختار سیاسی، ایدئولوژیکی و فرهنگی و حتی زیست‌محیطی سبب شده تا رفتارهای سیاسی در مناطق از یکدیگر متمایز شود. از سوی دیگر رفتارهای تاریخی نیز متغیر دیگری هستند که بر مسیر روندهای سیاسی اثر می‌گذارند. با توجه به این توضیح این سؤال پیش می‌آید که کلان‌روندهای سیاسی در منطقه خاورمیانه چه ویژگی‌های مشترک و چه وجوه متمایزکننده‌ای با کلان‌روندهای جهانی دارند؟ در پاسخ باید گفت که تغییر در ساختار قدرت جهانی و کاهش قدرت ایالات متحده از یک‌سو و برجسته شدن چین به‌عنوان قدرتی نوظهور، روند نفوذپذیری حاکمیت‌ها که تحت تأثیر فضای رسانه و بین‌المللی شدن آن است، تغییر در نوع و رویکرد نبردهای سیاسی که آن‌ها را پیچیده‌تر و غیرقابل‌پیش‌بینی می‌کند و درنهایت فعالیت خرده گروه‌های خارج از مدار حاکمیت عمده‌تاً کلان‌روندهای بین‌المللی هستند که تا حدود زیادی تحت تأثیر توسعه شبکه ارتباطات و اطلاعات هستند. در سوی دیگر برخی از کلان‌روندها نیز به دلایل مختلف بیشتر رنگ و بومی منطقه‌ای دارند که می‌توان به بحران جانشینی سیاسی در کشورهای حوزه خلیج فارس و به‌خصوص عربستان سعودی، رفاهی شدن مشروعیت نظام‌های سیاسی و پیوند ثبات سیاسی به توان اقتصادی، تبدیل شدن فناوری به بعد جدید قدرت در معادلات منطقه‌ای، نفوذ روزافزون مدل حکمرانی چینی مبتنی بر توسعه نامتوازن، افزایش بحران‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و فرهنگی درون کشورهای منطقه و اولویت امنیت داخلی بر تهدید خارجی، سیالیت در اتحادها و ائتلاف‌ها با توجه به افزایش پیش‌بینی‌ناپذیری سیاست‌های منطقه‌ای و در نهایت سازمان‌گریزی و رسمیت زدایی از قدرت و نفوذ سیاسی اشاره کرد.

پژوهش پیش رو از رویکرد روند پژوهی و مبتنی بر روش گردآوری اسنادی و کتابخانه‌ای تلاش دارد تا ابتدا با نگاهی گذرا به کلان‌روندهای جهانی، به صورت دقیق‌تر به کلان‌روندهای منطقه‌ای بپردازد. برای دستیابی به این هدف پنج متغیر شواهد، پیشران، پابرجایی، پیامد و توصیه مورد اشاره قرار خواهد گرفت. در زیر ابتدا بحث روند پژوهی مطرح خواهد شد.

### ۱. مبانی نظری: روند پژوهی

آینده‌پژوهی به صورت کلی بر روندهای پژوهی و سناریونویسی استوار است. روند پژوهی، پژوهشی به منظور استنباط، توصیف، تحلیل و جهت‌دهی روندها برای ساختن آینده مطلوب است (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۰۹). روند پژوهی می‌تواند از تکنیک‌های مختلفی همچون تکنیک‌های ریاضی برای استنباط روند یا تحلیل تکمیلی آن استفاده کند، اما محدود به این تکنیک‌ها نبوده و افقی فراتر از آن دارد. استفاده مؤثر از تکنیک‌های گفتمانی و مشارکت خبرگان در این روش بسیار مهم است (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۱۰). هدف اصلی روندپژوهی، ارائه تجویزهای آینده‌ساز است (بودافی، خلیلی و حیدری، ۱۳۹۸: ۸۵). روند پژوهی خصوصاً برای سیستم‌های اجتماعی کاربرد دارند و برای تحلیل سناریوها از اهمیت بالایی برخوردارند (Glemen, 2012: 8) گام‌های روندپژوهی را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد:

نخستین مقدماتی ایجاد تمهیدات لازم و تبیین دقیق موضوع است. بخشی از این تمهیدات مربوط به تشکیل گروه قابل اتکایی از خبرگان حوزه موردپژوهش است. گروه روندپژوهی نیاز به تجربه و مهارت بالاتری از گروه دیدبانی دارد. تعیین دقیق موضوع و تعیین قلمرو هم مهم‌ترین تمهیدات مفهومی کار هستند. موضوع باید دقیق و شفاف باشد و از کلی‌گویی بپرهیزد (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

گام نخست؛ شناسایی، تکمیل و نقد منابع دانشی؛ در این مرحله نخبگی گروه پژوهش و خبرگی صاحب‌نظران در تأمین، پردازش و ارائه اولیه محتوا، نقش برجسته‌ای دارد. جمع‌آوری اطلاعات در خصوص روندها و روابط میان آن‌ها از این حیث که به چشم‌انداز مطالعات سیاسی یاری می‌دهد، اهمیت دارند (قدیری، ۲۰۱۱: ۵۲).

گام دوم تبیین روندهای بالادستی است. در این مرحله پیشران‌ها از روندهای بالادستی استخراج می‌شود. منظور از پیشران‌ها، نیروهایی هستند که بر پیامد رویدادها اثر دارند؛ یعنی عناصری که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند (گوردون، ۱۳۹۲: ۱۷۵). به بیان دیگر نیروهای پیشران تغییرات، نیروهای بنیادینی هستند که زمینه تحقیق الگوهای رویدادها را مهیا می‌کنند و این نیروهای پیشران هستند که باعث وقوع اتفاقات می‌شوند (اخوان کاظمی، صادقی و نیکونهاد، ۱۳۹۷: ۱۹۷).

گام سوم استنباط روندهای اصلی از رویدادها و آمارهای سیستم؛ در این مرحله مطابق نظر سالندا<sup>۱</sup> استفاده از روش کدگذاری کیفی، داده‌های به دست آمده در گفتگوهای خبرگانی یا اسناد مقوله‌بندی و دسته‌بندی شده است (Kollösche & Florian, 2021: 16).

گام چهارم سامان‌دهی حدس‌ها و تدوین فهرست اولیه روندهای اصلی؛ در گام‌های پیشین، منشأ روندها بررسی می‌شود تا فهرستی از روندهای اصلی استنباط شود. چیدن روندها در کنار هم و گفتگوی انتقادی درباره آن به پخته‌تر شدن آن‌ها کمک شایانی می‌کند (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

گام پنجم توصیف روندهای اصلی و بررسی رابطه بین روندها است. در این گام هم‌روندها توصیف می‌شود و هم ارتباط بین آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد در واقع وابستگی متقابل پدیده‌ها در جهان، ما را به دیدگاهی کل‌نگر و رویکردی فرارشته‌ای هم در سازمان‌دهی دانش مورد نیاز و هم برای اقدام اجتماعی فرامی‌خواند (احمدیان، ذوالفقار زاده و پور عزت، ۱۳۹۵: ۱۸).

گام ششم تحلیل پابرجایی روندهای اصلی است، اینکه روندها و کلان‌روندهای اصلی تا چه زمانی می‌توانند صادق باشند.

گام هفتم بررسی پیامدهای هر یک از روندهای اصلی است. در این گام پیامدهای هر روند به شکل مجزا بررسی می‌شود تا اثر آن بر جامعه هدف سنجیده شود.

در نهایت گام هشتم نیز گمانه‌زنی درباره آینده دورنماسازی و ارزیابی پایانی است. مطالعه هر روند و پیامدهای آن تصویری جزئی از آینده به دست می‌دهد. اگرچه تصاویر جزئی هم برای بهبود نگرش به آینده سودمند هستند، باید در نقشه‌ای بزرگ‌تر و تصویری کلی‌تر دیده شوند (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

در این چارچوب کلان‌روندهای زیر نیز تلاش کرده تا به صورت خلاصه گام‌های روندپژوهی را اجرا کند که بر همین اساس شواهد، پیشران، پابرجایی، پیامد، توصیه و در نهایت چند متغیر تغییردهنده روند بررسی می‌شود. در ادامه ابتدا به روش تحقیق اشاره می‌شود و سپس کلان‌روندها به صورت مختصر در حوزه جهانی و به صورت مفصل‌تر در حوزه منطقه‌ای بررسی می‌شود.

## ۲. روش پژوهش

روش تحقیق در نگارش پیش رو مبتنی بر روش گرده آوری داده‌ها به صورت اسنادی و تحلیلی - توصیفی است. بر این اساس در تجمیع روندها و تلاش برای افزایش دامنه شمول کلان‌روندها از اسناد معتبر در حوزه روند نیز استفاده شده است. برآیند این روش در قالب کلان‌روندهای زیر مطرح شده که عمدتاً مفهومی هستند.

## ۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق را می‌توان به صورت کلی به دو بخش کلان‌روندهای سیاسی جهانی و کلان‌روندهای سیاسی منطقه‌ای تقسیم کرد. کلان‌روندهای منطقه‌ای تا حدودی تحت تأثیر کلان‌روندهای جهانی قرار می‌گیرد. با وجود این برخی از کلان‌روندهای منطقه‌ای می‌تواند منحصر به منطقه غرب آسیا باشد. یا حداقل در این منطقه برجسته‌تر باشد. در زیر به کلان‌روندهای منطقه‌ای پرداخته خواهد شد.

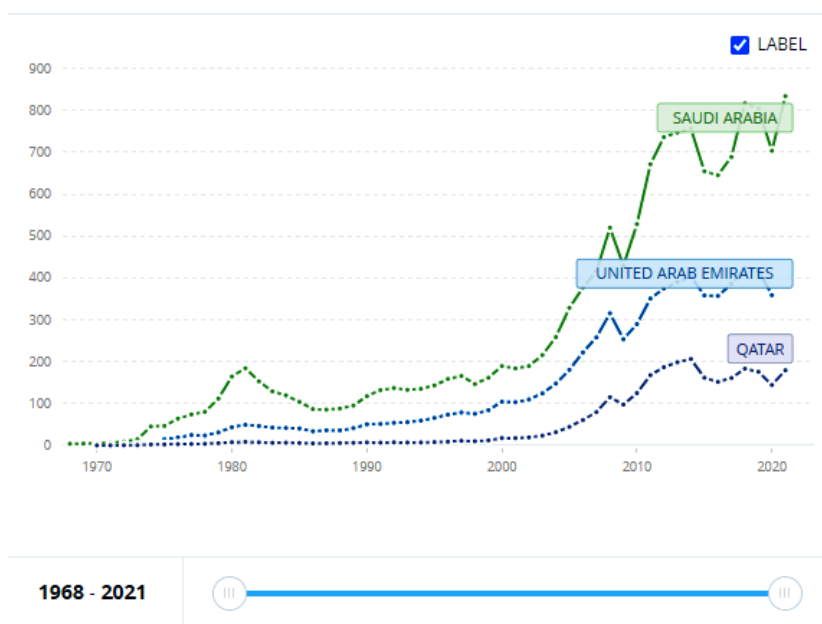
### ۳-۱. کلان‌روندهای سیاسی منطقه‌ای

کلان‌روندهای منطقه‌ای خاورمیانه با توجه به محیط بحران‌زای آن طیف گسترده‌ای از حوزه‌های سیاسی را دربرمی‌گیرد به همین خاطر فناوری، وضعیت اقلیمی، معادلات سیاسی، تفکر سیستمی و منشأ مشروعیت از جمله مفاهیم مرکزی آن هستند. در زیر به مهم‌ترین کلان‌روندهای سیاسی در منطقه غرب آسیا پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱-۱. رفاهی شدن مشروعیت نظام‌های سیاسی

در رهیافت مشروعیت جامعه‌شناسی سیاسی، مشروعیت در نظامی سیاسی به نوع نگرش مردم و میزان رضایت شهروندان از نظام بستگی دارد (قریان زاده سوار و ناطقی، ۱۳۹۱: ۱۴۹). در فضای جدید تا حدود زیادی مشروعیت سیاسی به کارآمدی اقتصادی پیوند خورده است. این روند با افزایش اهمیت بازیگری اقتصادی تشدید نیز شده به گونه‌ای که مهم‌ترین شاخصه برای ارزیابی کارآمدی دولت‌ها را می‌توان آمارها و عملکرد اقتصادی دانست در واقع کارآمدی در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد (دارا و خاکی، ۱۳۹۶: ۲۰۵). بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس الگوی توسعه نامتوازن را در دستور کار قرار داده‌اند به همین خاطر ملاک ثباتی سیاسی را توسعه اقتصادی و کسب مشروعیت از طریق افزایش رفاه عمومی می‌دانند. این موضوع می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی برای ساختار سیاسی داشته باشد.

به نظر می‌رسد چندین شاهد بتوانند ظهور این روند را به خوبی منعکس کنند. نخست حاکمیت کشورهای حوزه خلیج فارس و به خصوص عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و کویت اگرچه از مشروعیت سیاسی بالایی برخوردار نیستند اما توان حاکمیت در بهبود شرایط اقتصادی منجر به رضایت نسبی شده است. این کشورها توانسته‌اند با افزایش تولید ناخالص داخلی میزان نسبی از بهبود کیفیت را فراهم کنند تا نارسایی در حوزه سیاسی و سیستم‌های غیر دموکراتیک را پوشش دهند. در نمودار زیر روند افزایشی تولید ناخالص داخلی سه کشور ارائه می‌شود (World Bank, 2021).



نمودار ۱: روند تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر<sup>۱</sup>

دوم اینکه وقوع تنش‌های اقتصادی در کشورهای آسیب‌دیده از انقلاب ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که اقتصاد مهم‌ترین عنصر مشروعیت زدا از ساختارهای سیاسی در این کشورها بوده است که تا حدود زیادی خود را در افزایش نرخ بیکاری نشان داده است (Daniele, 2012: 8) و همچنین افزایش شورش‌های اجتماعی در نتیجه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز نشان می‌دهد که این روند به‌واقع شکل گرفته است.

در این مسیر متغیرهایی هستند که به تحقق این کلان‌روند کمک می‌کند که می‌توان به کاهش بعد ایدئولوژیک حکمرانی و افزایش بعد مادی آن، سنجش حکمرانی مطلوب بر اساس آمارهای اقتصادی، در حال حاضر معیار کارآمدی حکومت صرفاً بر اساس شاخص‌هایی همچون اشتغال، درآمد سرانه، نرخ تورم و ثبات اقتصادی ارزیابی می‌شود. دولت‌هایی همچون قطر یا امارات که با وجود جمعیت اندک توانسته‌اند سطح بالایی از

1. <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=AE-SA-QA>

درآمد سرانه و رفاه را برای شهروندانش به همراه بیاورند این مسئله بخشی از ویژگی‌های حکمرانی مطلوب تلقی می‌شود (Karipornsak, 2018: 94). از سوی دیگر این کشورها تلاش دارند تا با نهادینه کردن این تفکر که مشروعیت سیاسی برابر با توسعه اقتصادی است، بعد مشارکت سیاسی مشروعیت را کمرنگ کنند.

در خصوص پابرجایی این روند باید گفت که فضا به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد تا زمانی که بحث چشم‌اندازهای اقتصادی منطقه‌ای مانند ۲۰۳۰ عربستان و امارات متحده عربی مطرح است، گره خوردن مشروعیت سیاسی به توسعه اقتصادی نیز در کانون توجه قرار خواهد داشت (Kosárová, 2020: 124). به نظر می‌رسد با توجه به فضای جدید اقتصادی و ارزیابی کارآمدی دولت‌ها بر اساس توان اقتصادی، این روند شتاب بیشتری نیز گرفته است. به عبارت دیگر پابرجایی این روند می‌تواند در بازه بلندمدت پابرجا باشد.

گذشته از آنچه مطرح شد می‌توان پیامدهای مختلفی برای این کلان‌روند در نظر داشت. نخستین پیامد؛ کوتاه کردن مسیر کسب مشروعیت سیاسی است. به این معنا که اگر پیش از این مشروعیت ابعاد چندگانه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشت؛ اکنون با متغیر اقتصادی می‌توان در سطح ساختار سیاسی همان دستاورد را ارائه کرد. دومین پیامد افزایش تمرکز بر حوزه اقتصادی به جای پراکندگی در حوزه‌های مختلف سیاسی است که حاصل کار آن چشم‌انداز نویسی و رواج آن در کشورهای حوزه منطقه است.

وابستگی بیش از حد ثبات سیاسی به توسعه اقتصادی پیامد دیگری از این کلان‌روند است به صورتی که با خدشه وارد شدن به مسیر توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی نیز به سرعت واکنش نشان خواهد داد. این وجه منفی از پیامدهای رفاهی شدن مشروعیت سیاسی است. در نهایت یکی از مهم‌ترین پیامدهای رفاهی شدن مشروعیت سیاسی، آسیب‌پذیری در برابر بحران‌های غیرقابل پیش‌بینی اقتصادی است. گسترش کرونا و کاهش شدید تولید ناخالص داخلی کشورهای اقتصادمحور از جمله نمونه‌های بارزی است که نشان داد مشروعیت اقتصادمحور می‌تواند شکننده باشد (Rivlin, 2021).

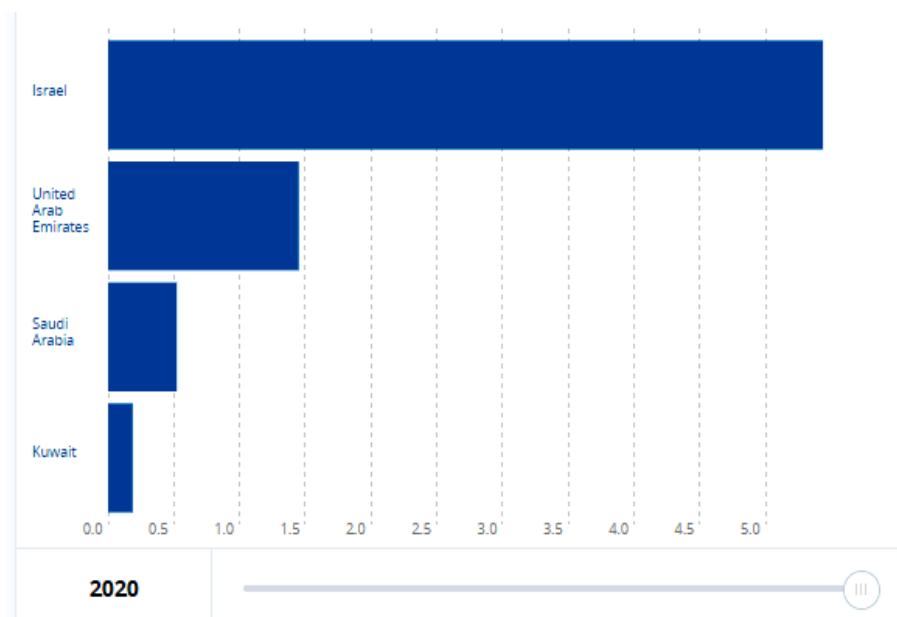


### ۳-۱-۲. ابتدای نظامند قدرت سیاسی بر اقتصاد دانش‌بنیان

فناوری‌های جدید بخش جدایی‌ناپذیر از روندهای جاری در نظام بین‌الملل هستند. پیش‌ازاین قدرت نظامی، منابع اقتصادی، عمق استراتژیک و جمعیت به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های ارزیابی قدرت یک بازیگر در عرصه جهانی موردتوجه بودند. این در شرایطی است که فضای جدید توان دستیابی به فناوری‌های جدید و کیفیت این فناوری‌ها به متغیری تعیین‌کننده برای ارزیابی قدرت تبدیل شده است و راه دستیابی به این بعد از قدرت نیز از تحقیق و توسعه می‌گذرد. لحاظ کردن این روند می‌تواند تغییر قابل‌توجهی در ساختار قدرت بازیگران ایجاد کند که طبیعتاً پیامدهای مثبت و منفی می‌تواند داشته باشد (محمودزاده، قاضی و قوچانی، ۱۳۹۶: ۲۶۳).

در این زمینه طی سال‌های گذشته، رخدادها و فعالیت‌هایی صورت گرفته که می‌تواند به خوبی ظهور و توسعه این روند را نشان دهد. کشورهای منطقه غرب آسیا به‌ویژه دولت‌های حاشیه خلیج فارس، اقدامات جدی و تأثیرگذاری برای تقویت نقش فناوری در بهبود حکمرانی سیاسی و اقتصادی خود انجام داده‌اند. این تلاش‌ها به همین موازات در حوزه نظامی و امنیتی نیز انجام شده است چراکه این عقیده وجود دارد که آینده منازعه و جنگ میان دولت‌ها با ویژگی‌های سرعت بالا، انطباق‌پذیری و چابکی که برخاسته از فناوری و اطلاعات دقیق بوده، پیوند خورده است (Mez, 2009: 9). از این نظر می‌توان چند شاهد جدی برای وجود این روند مثال زد که از آن جمله باید به تلاش کشورهای درحال توسعه برای ایجاد پیوند با قطب‌های فناوری همچون مایکروسافت و اپل، افزایش تعیین‌کنندگی فناوری در حوزه‌های نظامی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی، توان فناوری در تغییر راه‌اندازی و مدیریت جریان‌های سیاسی درون کشور، افزایش چشمگیر سرمایه‌گذاری در زمینه هوش مصنوعی و تعیین‌کنندگی آن در نبردهای آینده، - سرمایه‌گذاری گسترده عربستان بر نئوم به‌عنوان ابرشهر هوشمند و پروژه «د لاین»<sup>۱</sup> (The Line, 2022)، طرح‌های بلندپروازانه دهکده دانش امارات و قطر اشاره کرد.

افزایش نقش فناوری در حکمرانی سیاسی به‌طور مشخص نتیجه چند پیشران کلیدی است. نخستین پیشران اختصاص بودجه‌های کلان از سوی کشورها برای هزینه در فناوری‌های نوین است. در صورتی که این هزینه‌ها تأمین شود می‌تواند تا حدود زیادی به اقتصاد دانش‌بنیان کمک کند (World Bank, 2022). در نمودار زیر جایگاه بودجه تحقیق و توسعه در حوزه اقتصاد و فناوری را می‌توان مشاهده کرد.



نمودار ۲: هزینه تحقیق و توسعه کشورهای اقتصادی منطقه در سال ۲۰۲۰

دومین پیشران پیوند روزافزون اقتصاد و فناوری به‌عنوان دو بازوی جدایی‌ناپذیر توسعه است. الگوهای موفقیت‌آمیز قدرت‌های برتر اقتصاد جهان نشان می‌دهد که نوآوری مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی به‌شمار می‌آید. از این حیث الگوی شومپیتری از توسعه اقتصادی به‌وضوح در منطقه غرب آسیا رونق گرفته و کشورهای این منطقه نیز به سمت توسعه اقتصاد دانش‌بنیان حرکت کرده‌اند.

1. <https://data.worldbank.org/indicator/GB.XPD.RSDV.GD.ZS?end=2020&locations=AE-SA-QA-IL-KW-IR&start=2020&view=bar>

سومین پیشران بازتعریف حاکمیت قدرتمند بر اساس توان تولید، دستیابی یا استفاده از فناوری‌های نوین است. بر این اساس بسیاری از کشورهای منطقه ضمن حفظ ارتباط با مراکز فناوری جهان، چین را به‌عنوان اولویت برتر آینده فناوری در نظر گرفته و به ایجاد ارتباط گسترده اقدام کرده‌اند. چین نیز با استفاده از این فرصت پیمان‌های راهبردی با برخی از کشورهای منطقه منعقد کرده است. درگاه ورودی چین به توسعه و تسری ارتباطات نیز همچنان نیاز چین به نفت عربستان است (Xinchun, 2014: 39).

سرشت در حال تغییر سیاست بین‌المللی سبب شده تا گونه‌های غیرملموس قدرت از اهمیت به مراتب بیشتری نسبت به ابزارهای سخت و حتی نرم قدرت پیدا کنند. مفهوم قدرت در حال عبور از کشور «غنی از سرمایه» به کشور «غنی از اطلاعات» بوده و اکنون دستیابی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، حرف نخست را در تولید قدرت می‌زنند. امروزه دولت‌ها و به‌خصوص کشورهای قدرتمند به این نتیجه رسیده‌اند که برای ماندگاری در صحنه بین‌المللی و دستیابی به اهداف خود باید در کنار ورای از قدرت سخت به منابع و ابزارهای هوشمند توسل بجویند.

این کلان‌روند می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی برای کشورهای منطقه در برداشته باشد. نخستین پیامد شاید اهمیت یافتن بیش‌ازپیش ارتباط با کشورهای صاحب فناوری است. چین، هند، ایالات متحده و برخی از کشورهای دیگر شرق آسیا، کشورهایی هستند که آینده فناوری را در دست خواهند داشت. دومین پیامد تغییر در ساخت قدرت منطقه‌ای و جهانی و برتری کشورهای صاحب فناوری است. در این دیدگاه کشوری از جایگاه برتر در آینده ساختار قدرت منطقه‌ای برخوردار خواهد بود که بهره بیشتری از فناوری جدید ببرد. در حال حاضر کشورهایی مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی برنامه‌ریزی گسترده‌ای در این حوزه انجام داده‌اند به‌صورتی که امارات متحده شرایط ویژه‌ای برای جذب نخبگان منطقه‌ای در نظر گرفته است (Envoy Global, 2021).

علاوه بر این دو پیامد مهم می‌توان به سایر پیامدها که شامل افزایش شکنندگی اقتصاد و امنیت در کشورهای دارای وابستگی بالا از نظر فناوری، تغییر در سیستم بانکداری و

هوش مصنوعی، ایجاد شکاف جدیدی بر اساس کشورهای صاحب فناوری و کشورهای واردکننده فناوری، ایجاد شکاف میان توده مردم از سطح حاکمیت در کشورهای وابسته؛ می‌شود نیز اشاره کرد.

### ۳-۱-۳. نفوذ روزافزون الگوی حکمرانی چینی

در ابتدا باید گفت که الگوی حکمرانی چینی به الگویی گفته می‌شود که بر اساس توسعه نامتوازن و برتری توسعه اقتصادی بر سیاسی است. این الگو با بسیاری از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس همخوانی بیشتری دارد. کاهش نفوذ ایالات متحده در مقایسه با دهه‌های پیش یکی از مهم‌ترین روندهایی است که بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و جهانی به آن اعتقاد دارند. این روند هم در نتیجه کاهش قدرت ایالات متحده و هم در نتیجه افزایش قدرت بازیگران رقیب مانند چین بوده است. چین تلاش داشته که سیاست منطقه‌گرایی خود را توسعه دهد. منطقه‌گرایی چینی را می‌توان ترکیبی از نظریات منطقه‌گراییانه واقع‌گرایی پس از دهه ۱۹۹۰ در قالب مکتب کپنهاک و نظریات همگرایی منطقه‌ای نو کارکردگرایان پس از جنگ جهانی دوم دانست. غرب آسیا به‌عنوان یک مجموعه امنیتی مرکزگرا که میزان زیادی از نظم‌بخشی در این مجموعه از سوی بازیگران خارجی انجام می‌شود (Lemake, 2005: 198) برای چین اهمیت دارد. اکنون و با کاهش اهمیت راهبردی این منطقه برای ایالات متحده از یک سو و پیشبرد هر چه بیشتر پروژه عظیم کمربند-راه<sup>۱</sup> از سوی چین، پرسش از جایگاه منطقه غرب آسیا در سیاست خارجی چین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل مطرح شده است (Chaziza, 2019: 24, 31). چین راهبرد خود را در منطقه غرب آسیا بر اساس موازنه نفوذ در برابر آمریکا قرار داده است. این کشور از دو طریق سعی می‌کند به‌طور غیرمستقیم نفوذ آمریکا را در منطقه کاهش داده و بدون درگیری نظامی، دست به تعدیل قوا در منطقه به ضرر ایالات متحده بزند. نخست، با حمایت از آن دسته از بازیگران منطقه‌ای که نظام سیاسی آن‌ها ماهیتی ضدغربی داشته و

1. Belt and Road Initiative (BRI)

دوم با استفاده از ترتیبات نهادی منطقه‌ای و جهانی موجود. به‌طور مثال به اجرایی سازی پروژه راه ابریشم سلامت چین در این منطقه اشاره کرد. تا اواخر سال ۲۰۲۰ مقامات چینی بیش از ۵۰۰ جلسه آنلاین و آفلاین درباره کووید ۱۹ با کشورهای جهان برگزار کردند. یکی از مناطقی که همواره مورد توجه پکن واقع شده، منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا (منطقه منا) است که چین در قالب «جاده ابریشم سلامت» برای حضور در حکمرانی جهانی و توسعه قدرت نرم خود برنامه دارد. استفاده از انجمن همکاری چین و آفریقا<sup>۱</sup> نیز در این قاره برای تسهیل مناسبات بین دولت‌های آفریقا و چین نیز در دستور کار قرار گرفته است (Jakóbowski, 2018: 659-673). مرور دامنه فعالیت‌ها و دیپلماسی سلامت چین در این منطقه تصویری از اقدامات پکن برای حضور در حوزه حکمرانی سلامت در جهان و این منطقه ارائه می‌دهد.

برای این ادعا می‌توان شواهدی را در نظر داشت که می‌تواند نشان‌دهنده شکل‌گیری این روند و تغییر موازنه نفوذ در منطقه غرب آسیا باشد. نخستین و شاید مهم‌ترین شاهد خروج نیروهای ایالات متحده از افغانستان و وقوع بحران مستمر در این کشور و تحمیل هزینه‌های سنگین به اقتصاد آمریکا و افزایش بی‌اعتمادی متحدان منطقه‌ای این کشور پس از عدم حمایت از حسنی مبارک و اشرف غنی، کاهش نیروها در پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای حوزه خلیج فارس، ناتوانی در حمایت از متحدان خود در اروپای شرقی، کاهش توان در رقابت اقتصادی با کشورهایی نظیر چین از یک سو و کمک‌های مالی سنگین چین به کشورهای منطقه غرب آسیا، انعقاد قراردادهای بلندمدت با کشورهای این منطقه از جمله عربستان سعودی و ایران و سهم روزافزون تجارت خارجی کشورهای این منطقه با چین نشان‌دهنده آن است که چینی‌ها بدون جنگ و درگیری نظامی توانسته‌اند، نفوذ خود را به مراتب بیش از گذشته در این منطقه توسعه دهند. از سوی دیگر اهمیت کشورهای خلیج فارس برای چین به‌عنوان کریدور انتقالی به شمال آفریقا و اروپا، توسعه نفوذ چین در آینده را به‌نوعی پایه‌گذاری می‌کند (Young, 2019: 237).

نخستین پیشران را می‌توان افزایش قدرت رقابتی چین در بازار هوش مصنوعی و تجهیزات ارتباطی دانست. شاید در این حوزه هوای پیشگام باشد. باوجود این ایالات متحده آمریکا در تلاش است تا با انعقاد قرارداد اطلاعاتی و ارتباطی با کشورهای منطقه از حوزه نفوذ چین بکاهد (Geller, 2022).

کاهش سطح روابط با متحدان سنتی ایالات متحده در منطقه مانند عربستان سعودی؛ دومین پیشران کلان‌روند حکمرانی چینی در منطقه است. عربستان سعودی به‌خصوص در دوره اوباما و بایدن تا حدود زیادی تلاش کرد تا سیاست مستقل‌تری را از واشنگتن دنبال کند. اینکه چه میزان موفق بوده بحث دیگری است اما این تمایل نشان می‌دهد که به‌مانند دوره‌های پیشین، ایالات متحده تنها شریک استراتژیک عربستان محسوب نمی‌شود. امارات متحده عربی نیز تلاش کرده تا سیاست چندجانبه‌گرایی را دنبال کند.

خروج آمریکا از افغانستان و کاهش حضور نظامی این کشور در عراق نشان‌دهنده فرسایش قدرت نظامی و سیاسی این کشور در منطقه غرب آسیا است. این رخداد نشان می‌دهد که واشنگتن هم به لحاظ اقتصادی و هم از نظر سیاسی و فرهنگی توان ایستادگی در عراق و افغانستان را از دست داده است. مجموع این شرایط سبب شده است تا این تصور قوام یابد که نفوذ چین درحال توسعه است و این پذیرش از سوی کشورهای منطقه نیز وجود دارد.

این کلان‌روند تا زمان تثبیت نظم جدید می‌تواند پیامدهایی به دنبال داشته باشد که شامل ایجاد خلأ قدرت در منطقه غرب آسیا و تلاش کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به پر کردن خلأ که می‌تواند منجر به تنش پایدار شود. توجه ایالات متحده به حوزه آسیا-پاسفیک نیز تسریع‌کننده خواهد بود، سیاستی که از دوران اوباما به‌صورت جدی دنبال شد (Unger, 2016: 5).

سایر پیامدها را می‌توان وقوع بحران سیاسی در ایالات متحده و افزایش شکاف میان احزاب حاکم در این کشور؛ افزایش تنش با چین، چراکه چین تلاش دارد که در فضای موجود ساختار سیاست بین‌الملل را از چندقطبی به تک‌قطبی با محوریت چین تبدیل کند.

کاهش اهمیت منافع ایدئولوژیک به منافع اقتصادی و تجاری، افزایش نفوذ امنیتی و اطلاعاتی چین در منطقه غرب آسیا و در نهایت تبدیل شدن چین به محور ثبات اقتصادی و سیاسی در منطقه غرب آسیا دانست.

### ۳-۱-۴. بحران زی شدن سیاست داخلی کشورهای منطقه

بحران‌های منطقه‌ای و جهانی از یک سو و افزایش توقعات عمومی از دولت‌ها از سوی دیگر سبب شده است تا فضای داخلی کشورهای به‌خصوص در حال توسعه به فضایی تنش آمیز تبدیل شود. موضوع توقعات فزاینده از سوی جیمز دیویس تحت عنوان منحنی جی مورد بررسی قرار گرفته است. در کشورهایی که شرایط اقتصادی به نسبت مناسب‌تری دارند، پس از یک دوره نسبی تجربه رفاه، هرگونه رکود اقتصادی می‌تواند احساس محرومیت نسبی ایجاد کرده و منجر به تحولات سیاسی شود. از دید دیویس، هر انقلابی سه محور دارد که شامل رشد سریع اقتصادی، افزایش سطح انتظارات و توقعات و ایجاد رکود اقتصادی و احساس محرومیت نسبی می‌شود (هراتی و یوسفی، ۱۳۹۸: ۲۸۶). این متغیر به‌خصوص در کشورهای نفتی حوزه خلیج فارس بیشتر صادق است.

بر این اساس؛ کوچک‌ترین محرک‌های داخلی در کشورهایی که توان اقتصادی بالایی ندارند منجر به شکل‌گیری بحران سیاسی در این کشورها می‌شود. در واقع فرایندهای بحران‌ساز در منطقه غرب آسیا در مقایسه با گذشته تشدید شده است. این روند؛ بانفوذ پذیری حاکمیت‌ها از سوی رسانه تشدید نیز شده و تا جایی است که امروزه از جبر رسانه یا جبر فناوری سخن گفته می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۳). این مهم به‌ویژه در کشورهایی که در چارچوب الگوهای رقابت منطقه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کنند نیز به‌طور جدی دنبال می‌شود. وقوع انقلاب‌های ۲۰۱۱ که با درصد بالایی ریشه‌های داخلی و عموماً اقتصادی داشت و در سوی دیگر تحت تأثیر فضای رسانه‌ای بود که حاکمیت کشورهای منطقه را نفوذپذیر می‌کرد، همچنین تنش‌های میان دولت‌ها و حاکمیت بر سر توان تأمین واکسن در نتیجه همه‌گیری ویروس کرونا، افزایش اعتراضات در نتیجه وقوع بحران‌های زیست‌محیطی مانند کمبود آب و یا مسئله ریزگردها، افزایش تنش میان گروه‌های فمینیستی و دگرباشان جنسی

با سیستم حاکم بر بسیاری از کشورها و به‌خصوص کشورهای اسلامی، افزایش تورم، بحران اقتصادی و بیکاری و ارتباط‌دهی مستقیم این بحران‌ها با ناکارآمدی حاکمیتی که منجر به تنش در کشورهایی مانند عراق، ترکیه و مصر شده، همگی حکایت از بحران زی شدن فضای داخلی کشورها دارد.

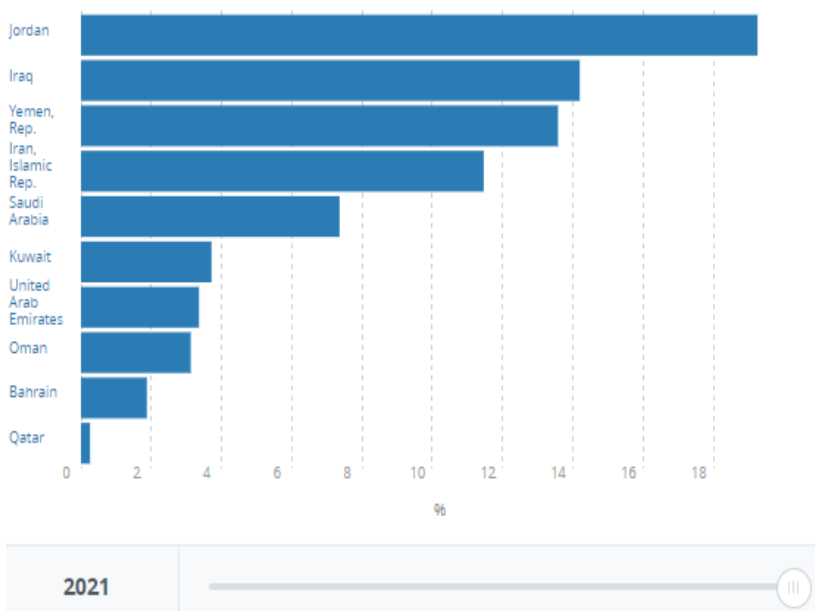
برای این کلان‌روند می‌توان پیشران‌های متعددی در نظر داشت که هم به حوزه اقتصادی مربوط می‌شود و هم حوزه زیست‌محیطی و رسانه را شامل می‌شود. یکی از مهم‌ترین پیشران‌های بحران زی شدن وضعیت داخلی کشورها؛ کم‌آبی و افزایش تنش‌های داخلی بر سر آب و تسری آن به تنش میان کشورها است. این موضوع در ترکیه، عراق و حتی ایران قابل ملاحظه است و کشورهای نفت‌خیز عربی مانند کویت، قطر، عربستان و امارات متحده عربی جزء پنج کشور از ۹ کشوری هستند که در سطح دنیا کمترین منابع آب سرانه را در اختیار دارند. در این کشورها تقریباً تمام آب‌خانه‌های زیرزمینی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و منابع جدیدی برای رفع نیازهای آبی وجود ندارد (افشار، دهشیری، ۱۳۹۸: ۱۰۴).

افزایش بیکاری و تبدیل مسئله اقتصادی به بحرانی سیاسی، دومین پیشران بحران زی شدن سیاست داخلی است. در این میان اردن از وضعیت به‌مراتب بدتری برخوردار است به‌صورتی که نرخ بیکاری نزدیک به ۱۹.۳ درصد دارد، در رتبه دوم عراق با ۱۴.۲، یمن با ۱۳.۶، ایران با ۱۱.۵، عربستان سعودی با ۷.۴، کویت ۳.۷، امارات ۳.۴، عمان ۳.۱، بحرین با ۱.۹ و در نهایت قطر با ۰.۳ در رتبه‌های بعدی قرار دارند (World Bank, 2021).

در نهایت نیز یکی از مهم‌ترین پیشران‌ها، نفوذپذیری حاکمیت‌ها با توسعه توان رسانه‌ای و امکان به چالش کشیدن مستقیم حاکمیت از سوی مردم است.

رسانه‌ها در حال حاضر تأثیر مستقیمی بر نوع نگرش ملت‌ها به فرایندهای سیاسی دارند. وقوع تحولات بیداری به‌صورت دومینویی که به‌طور مستقیم تحت تأثیر شبکه‌های مجازی قرار داشت، شورش‌های چند سال اخیر در ایران و تلاش سایر کشورها برای کنترل هرچه بیشتر تولید و انتقال اطلاعات نشان می‌دهد که تا چه اندازه، نقش شبکه‌های مجازی در این زمینه تقویت شده است.





نمودار ۳: نرخ بیکاری در کشورهای غرب آسیا در سال ۲۰۲۱

مهم‌ترین پیامدهای این کلان روند نیز می‌تواند قدرت تسری پذیری حداکثری مسئله زیست‌محیطی، اقتصادی و فرهنگی به معضل امنیتی، از بین رفتن امنیت پایدار و تضعیف حاکمیت در نظر بازیگران خارجی؛ شکننده کردن اقتصاد داخلی و افزایش نگرانی بازیگران خارجی از سرمایه‌گذاری در کشورهای پرتنش؛ وابستگی کلی به تأمین امنیت از سوی نیروهای خارجی؛ ایجاد فضا و بستر مناسب برای فعالیت‌های تروریستی و فشار بر حاکمیت برای اصلاح رویه جاری سیاست‌گذاری باشد.

### ۳-۱-۵. سیالیت اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای

عمده اتحاد و ائتلاف‌های منطقه‌ای یا منشأ ژئوپلیتیکی داشته‌اند و یا ایدئولوژیک که از این حیث منجر به ثبات نسبی در اتحادها شده بود. با وجود این فضای منطقه‌ای و اهمیت روزافزون اقتصاد سبب شده است تا نیازهای اقتصادی متقابل نوع اتحادها و ائتلاف‌ها را تغییر دهد و به‌نوعی شناور و سیال کند. تلاش عربستان سعودی و امارات متحده برای

ایجاد تعادل در سیاست‌های اقتصادی و وارد کردن چین به معادلات در راستای منطقه‌گرایی چینی که به دنبال گسترش نفوذ سیاسی و امنیتی خود در منطقه است (6: Garlick and Havlona, 2019) از سوی دیگر تمایل پاکستان به ائتلاف با ترکیه و عربستان و همکاری امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی حکایت از این دارد که اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای از حالت متصلب گذشته به سمت سیالیت در حرکت است. باوجود این شواهد متعددی برای این روند می‌توان در نظر گرفت.

یکی از مهم‌ترین متغیرها برای اثبات سیالیت اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای را شاید بتوان ورود پاکستان و تمایل این کشور به حضور فعال در مناسبات منطقه‌ای حوزه خلیج فارس دانست (Karim, 2021). شرایط اقتصادی پاکستان ایجاب کرده است تا نیاز به همکاری اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس و به‌خصوص عربستان سعودی داشته باشد. از سوی دیگر همسویی ایدئولوژیک نسبی با ترکیه نیز این کشور را ترغیب کرده که مناسبات خود با ترکیه را بهبود ببخشد. با توجه به این نیاز متقابل به نظر می‌رسد در این زمینه منطقه شاهد مرزبندی جدیدی باشد.

نمونه دیگری که اقتصاد را در کانون مناسبات قرار می‌دهد؛ نیاز ترکیه به حمایت اقتصادی و جذب سرمایه کشورهای عربی منطقه به‌خصوص قطر است (Aljazeera, 2021) اگرچه به سبب رویکرد ایدئولوژیک؛ قطر از اولویت برخوردار است اما شرایط به‌گونه‌ای است که به‌تنهایی جذب سرمایه از قطر نمی‌تواند پاسخگوی روند نزولی اقتصاد در ترکیه باشد. این دریافت از بحران اقتصادی، آنکارا را وادار به ترمیم روابط با عربستان سعودی کرده است. در این راستا دیدار اردوغان از ریاض برای جلب حمایت اقتصادی و سرمایه سعودی شاهد این ادعا بوده است. متغیرهای متعددی با عنوان پیشران‌ها را می‌توان نام برد که بر سیالیت اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای تأثیرگذار هستند. بهبود روابط ترکیه و عربستان و افزایش فشار بر ایران را می‌توان نخستین پیشران دانست. پیش‌از این عربستان سعودی و ترکیه در مقاطع گوناگون تنش‌هایی به‌خصوص در حوزه ایدئولوژیک داشتند که قتل جمال خاشقچی نیز بر دامنه این تنش‌ها افزود. این (2: Gamawa, 2019).

پیشران دیگر ورود پاکستان به معادلات منطقه‌ای و افزایش فشار بر ایران در مرزهای جنوب شرقی است. پاکستان از این بابت که به‌نوعی دولت ورشکسته محسوب می‌شود به شدت نیاز به همکاری اقتصادی با کشورهای حوزه خلیج فارس دارد. از سوی دیگر تعداد قابل توجهی از اتباع پاکستان در کشورهای حوزه خلیج فارس به فعالیت مشغول‌اند که درآمد بالایی از این مسیر به پاکستان سرازیر می‌شود. تنها درآمد نیروی کار پاکستانی از عربستان و امارات متحده عربی در سال حدود ۴.۵ میلیارد و ۳.۴۷ میلیارد دلار است. برای پاکستان، عربستان سعودی مقصد اول و برای هندی‌ها امارات متحده عربی مقصد اول کار است (Latif, April 2021).

در نهایت پیشران مهم دیگر می‌تواند تسری روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی به عربستان سعودی باشد. به نظر می‌رسد با فوت ملک سلمان که در حال حاضر از بیماری رنج می‌برد، امکان بهبود روابط محمد بن سلمان با رژیم صهیونیستی افزایش می‌یابد (Guzansky, 2022: 1-6). این مسیر نیز به احتمال زیاد با مناسبات اقتصادی گسترده و همکاری‌های اطلاعاتی و فناوری آغاز می‌شود.

برای این پیشران می‌تواند پیامدهای مختلفی در نظر داشت که شامل همگرایی کشورهای امارات متحده عربی، عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان و تشکیل ائتلاف قدرتمند سیاسی و اقتصادی؛ فاصله گرفتن ایران از ترکیه به سبب عدم وجود معادلات اقتصادی تعیین‌کننده؛ نزدیک شدن روسیه به کشورهای دارای قدرت اقتصادی منطقه‌ای به خصوص در حوزه نفت و گاز و در انتها وارد شدن رژیم صهیونیستی به صورت فعال به حوزه اقتصادی و سپس سیاسی حوزه خلیج فارس می‌شود.

### ۳-۱-۶. سازمان‌گریزی و رسمیت‌زدایی از قدرت و نفوذ سیاسی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که می‌توان به آن توجه کرد، کاهش قدرت سازمان‌های بین‌المللی در مقابل پیوندها و ائتلاف‌های غیررسمی است. یکی از مهم‌ترین دلایل این کلان روند را می‌توان کاهش اثرگذاری سازمان ملل متحد به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان رسمی جهان دانست. با گسترش جهانی‌شدن و تضعیف دسته‌بندی امور به داخلی و

بین‌المللی، مفهوم امنیت بین‌المللی به حوزه داخلی کشورها نیز سرایت یافت (کاظمی، ۱۳۸۴: ۳۸). این مسئله حساسیت دولت‌ها را برای کاهش ارتباط با سازمان ملل را برانگیخت و در نهایت اثرگذاری سازمان ملل را نیز کاهش داد. جنگ اوکراین نیز این موضوع را بیش‌ازپیش برجسته کرد، پیش‌ازاین تلاش‌های دونالد ترامپ در دولت پیشین ایالات متحده برای خروج از سازمان‌های محیط زیستی و بعضاً اقتصادی نیز این روند را تشدید کرده است. در حوزه منطقه‌ای نیز شکاف میان کشورهای عرب منطقه سازمان‌هایی مانند بر سر تحولات جهان عرب در ۲۰۱۱ و اختلاف میان قطر و عربستان از یک‌سو و اختلاف بر سر تعامل با ایران از سوی دیگر، شورای همکاری خلیج فارس را کم‌اثر کرده است. به‌عبارت‌دیگر شورای همکاری خلیج فارس دریافت که در قبال تهدیداتی مانند موج تحول‌خواهی در درون این کشورها نمی‌تواند کارایی داشته باشد اگرچه یکی از واکنش‌های شورا افزایش خریدهای تسلیحاتی بوده است (صادقی اول، نقدی، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۲). علاوه براین منافع ناهمگون این کشورها در قبال ایران نیز نگاه پیشین به این شورای برای اثرگذاری را کمرنگ کرده است.

شواهد متعددی را در حوزه بین‌المللی و منطقه‌ای می‌توان عنوان کرد که شامل موارد زیر می‌شود. افزایش شکاف در سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی با تحولات ۲۰۱۱، کاهش قدرت شورای همکاری خلیج فارس با توجه به اختلاف ریشه‌دار عربستان و قطر حتی پس از رفع محاصره قطر که بخشی از آن به سبب قدرت نرم قطر و نگرانی عربستان از تأثیرگذاری آن بر فضای داخلی این کشور (درج، التیامی نیا، ۱۳۹۷: ۳۷) و همچنین ناکارآمدی سازمان منطقه‌ای اکو در نتیجه پیوندهای غیررسمی از جمله نشانه‌ها و شواهد مهم این روند است.

در خصوص سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان پیشران‌های متعددی را مطرح کرد به‌صورتی که طیف گسترده‌ای از انحلال تا تضعیف را در برمی‌گیرد. خروج اعضای فعال سابق از سازمان‌های رسمی؛ تغییر ماهیت شورای همکاری خلیج فارس و شکل‌گیری سازمان‌های اقتصادی جدید به‌جای سازمان‌های امنیتی از مهم‌ترین پیشران‌هایی هستند که کلان روند مذکور تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرد.

کلان روند سازمان‌گریزی و رسمیت‌زدایی از قدرت و نفوذ سیاسی پیامدهای مثبت و منفی مختلفی دارد که شامل افزایش منازعات منطقه‌ای به سبب تغییر در ساختار قدرت و خروج از سازمان‌های رسمی؛ افزایش نااطمینانی و مذاکرات دو یا چندجانبه در کانال‌های غیررسمی؛ ورود کشورهای با قدرت اقتصادی بالا به سازمان‌های رسمی، تضعیف جایگاه کشورهای مبنی بر قدرت صرفاً نظامی و کاهش تعهدات رسمی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و افزایش احتمال درگیری‌های نظامی در پی خروج از سازمان‌های رسمی می‌شود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

کلان‌روندهای سیاسی هم تحت تأثیر ساختار قدرت جهانی و هم تحت تأثیر متغیرهای نظم‌ساز منطقه‌ای قرار می‌گیرند به همین خاطر متغیرهای منطقه‌ای نقش قابل‌توجهی دارد. منطقه غرب آسیا نیز در برخی از پیشران‌ها متفاوت از سایر مناطق است. رفاهی شدن مشروعیت سیاسی کلان‌روندی است که اگرچه منطقه‌ای است ولی تحت تأثیر روندهای جهانی قرار گرفته است که رسانه نیز در آن اثرگذاری بالایی دارد. از سوی دیگر این روند نمی‌تواند خطی باشد و ارائه بدیل ایدئولوژیک جدید با قدرت جذب‌کنندگی اجتماعی و افزایش سهم عمومی در ساحت سیاسی و سیاسی شدن جامعه می‌تواند مهم‌ترین متغیرهای تغییردهنده این روند باشند.

ابتنای نیازمند قدرت سیاسی بر اقتصاد دانش‌بنیان نیز تحت تأثیر کلان‌روند جهانی است که با متغیرهای منطقه‌ای درهم‌آمیخته شده است. این کلان‌روند نیز می‌تواند تحت تأثیر وقوع جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای و توقف روند توسعه اقتصاد دانش‌پایه و تحریم صادرات فناوری به کشورهای واردکننده مسیر خود را تغییر دهد.

نفوذ روزافزون الگوی حکمرانی چینی از دیگر کلان‌روندهایی است که تحت تأثیر ورود مستقیم غرب و ایالات متحده برای دولت-ملت‌سازی جدید، تلاش دولت‌های غربی برای ایجاد کودتا علیه رهبران چینی گرا، افول زودهنگام اقتصاد چین در نتیجه تحولات

اقتصادی یا سیاسی و تجربه ناموفق الگوی حکمرانی چینی در منطقه با توجه به ویژگی‌های منطقه قرار بگیرد.

بحران زی شدن سیاست داخلی کلان‌روندی است که به شدت تحت تأثیر متغیرهای داخلی است. متغیرهای تغییردهنده این کلان روند نیز مدیریت مناسب بحران آب با تأمین نیاز مصرف بر اساس صنعت آب‌شیرین‌کن، ایجاد سازمان‌های محیط زیستی موفق، بهبود روند اقتصاد داخلی و کاهش تنش‌های اقتصادی و افزایش قدرت نیروهای نظامی و پذیرش عمومی آن از سوی جامعه هستند.

سیالیت اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای هم تحت تأثیر بازتعریف مأموریت شورای همکاری خلیج فارس، افزایش قدرت سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، شکل‌گیری سازمان جدید نظامی در مقابل ناتو، افزایش سیاست‌های متعارض با گفتگوهای دوجانبه و بی‌اعتمادی به اتحادها و ائتلاف‌های سیال مسیر خود را تغییر دهد.

در نهایت باید گفت که به نظر می‌رسد در مجموع فضا به سمت و سویی می‌رود که امنیت داخلی در حال به هم زدن توازن علیه امنیت خارجی است. به عبارت دیگر حاکمیت‌ها این احساس را دارند که متغیرهای برهم زننده امنیت داخلی در حال قدرتمندتر شدن است به همین خاطر بهبود شرایط اقتصادی و کنترل متغیرهایی مانند بحران آب می‌تواند بیشترین دستاورد را برای افزایش مشروعیت سیاسی حاکمیت‌های منطقه‌ای نیز داشته باشد.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- احمدیان، مهدی، ذوالفقار زاده، محمدمهدی و علی اصغر پور عزت (۱۳۹۵)، تحلیلی انتقادی و راهبردی بر پیش‌فرض‌های مدون دانش آینده‌پژوهی، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۴.
- اخوان کاظمی، مسعود، صادقی، سید شمس‌الدین و ایوب نیک نهاد (۱۳۹۷)، آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آن‌ها بر منازعات منطقه‌ای غرب آسیا، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۴.
- افشار، ماهرخ، دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۸)، بحران آب در خاورمیانه، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱.
- بوداقی، جمال، خلیلی، محسن و اکبر حیدری (۱۳۹۸)، روندپژوهی تاریخی و آینده‌فدرالیسم عراق، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفدهم، شماره اول.
- پدرام، عبدالرحیم و مهدی احمدیان (۱۳۹۴)، آموزه‌ها و آموزه‌های آینده‌پژوهی، چاپ اول، مؤسسه افق آینده‌پژوهی.
- دارا، جلیل، خاکی، محسن (۱۳۹۶)، کارآمدی و تداوم نظام مردم‌سالاری دینی از منظر سرمایه اجتماعی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۱.
- درج، حمید، التیامی نیا، رضا (۱۳۹۷)، تحلیل دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی نوین ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات.
- صادقی اول، هادی، نقدی عشرت‌آباد، جعفر (۱۳۹۳)، واکنش شورای همکاری خلیج فارس به بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱۱.
- قدیری، روح‌الله (۱۳۹۰)، بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آیند، تهران، مرکز آینده‌پژوهی دفاعی، جلد اول.
- قربان زاده سوار، قربانعلی، ناطقی، هاشم (۱۳۹۱)، جنگ نرم غرب و مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲.
- کاظمی، مرم (۱۳۸۴)، تأملی در کارنامه سازمان ملل از منظر صلح و امنیت، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۸.
- گوردون، آدام (۱۳۹۲)، فهم آیند، بازشناسی روندهای مؤثر بر تصمیم‌گیری بهتر، ترجمه طیبه واعظی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- محمودزاده، ابراهیم، قاضی، حسن و محمدمهدی قوچانی (۱۳۹۶)، نقش و جایگاه توسعه فناوری در بعد نظامی قدرت ملی، فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۶۷.
- هراتی، محمدجواد، یوسفی، رضا (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی انقلاب‌های جهان اسلام بر اساس نظریه جیمز دیویس (مطالعه موردی: انقلاب تونس، مصر و لیبی)، دو فصلنامه علمی جامعه‌شناسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۲.

### ب. منابع انگلیسی

- Aljazeera(2021), Qatar and Turkey agree to boost economic ties, sign 15 agreements, available at: <https://www.aljazeera.com/economy/2021/12/7/no-boost-in-aid-from-qatar-to-turkey-amid-economic-meltdown>.
- Chaziza, Mordechai(2019), China's Economic Diplomacy Approach in the Middle East Conflicts, China Report 55: 1.
- Daniele, Vittorio (2012), About a Revolution: The Economic Motivations of the Arab Spring, International Journal of Development and Conflict. Available at: [https://www.researchgate.net/publication/255707761\\_About\\_a\\_Revolution\\_The\\_Economic\\_Motivations\\_of\\_the\\_Arab\\_Spring/link/02e7e5204804eec669000000/download](https://www.researchgate.net/publication/255707761_About_a_Revolution_The_Economic_Motivations_of_the_Arab_Spring/link/02e7e5204804eec669000000/download)
- Envoy Global(2021), United Arab Emirates: Coders Now Eligible For Golden Visas, available at: <https://www.mondaq.com/work-visas/1093898/coders-now-eligible-for-golden-visas>.
- Gamawa, Yusuf Ibrahim (2019), United States, Turkey, Saudi Arabia and Middle East Politics After Khashoggi's Murder, American International Journal of Humanities, Arts and Social Sciences, Vol.1. No.1.
- Garlick, Jeremy, Havlova', Radka(2019), China's "Belt and Road" Economic Diplomacy in the Persian Gulf: Strategic Hedging amidst Saudi-Iranian Regional Rivalry, Journal of Current Chinese Affairs.
- Geller, Eric(2022), Will the Saudis help the U.S. beat Huawei? Politico, available at: <https://www.politico.com/newsletters/weekly-cybersecurity/2022/07/18/will-the-saudis-help-the-u-s-beat-huawei-00046280>
- Guzansky, Yoel(2022), Saudi Arabia and Israel: Normalization at a Snail's Pace, Institute for National Security Studies, available at: <https://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2022/08/no.1633.pdf>.
- Jakóbowski J (2018) Chinese-led regional multilateralism in Central and Eastern Europe, Africa and Latin America: 16+1, FOCAC, and CCF. Journal of Contemporary China 27(113).
- Karim, Umer(2021), Qatar, Turkey and Pakistan: A Strategic Triad in the Making, Aljazeera Centre for Studies, Available at: <https://studies.aljazeera.net/en/analyses/qatar-turkey-and-pakistan-strategic-triad-making>.
- Kollosche, I. & Florian, A. (2021). Guidelines for scenario building process. Available at: [www.dignity-project.eu/wpcontent/uploads/2021/02/Deliv\\_2.3\\_IZT\\_20210217\\_final.pdf](http://www.dignity-project.eu/wpcontent/uploads/2021/02/Deliv_2.3_IZT_20210217_final.pdf).



- Kosárová, Dominika(2020), Saudi Arabia's Vision 2030, conference Paper 2020, University of Defence, available at: [https://www.researchgate.net/publication/346531524\\_SAUDI\\_ARABIA'S\\_VISION\\_2030](https://www.researchgate.net/publication/346531524_SAUDI_ARABIA'S_VISION_2030)
- Kraipornsak, Paitoon(2018), Good Governance and Economic Growth: An Investigation of Thailand and Selected Asian Countries, Eurasian Journal of Economics and Finance.
- Latif, Aamir(2021), Remittances to Pakistan up \$2B for 10th month in row, Available at: <https://www.aa.com.tr/en/asia-pacific/remittances-to-pakistan-up-2b-for-10th-month-in-row/2206213>.
- Lemake, Douglas, (2005) "Perspective on Politics", American Political Science Association, Vol. 3, No 1.
- Mez, s (2000), Armed Conflict in the 21<sup>st</sup> century: the information revolution and post- modern warfare, Carlisle Barracks, Strategic Studies Institute.
- Rivlin, Paul(2021), The Impact of Covid-19 and Conflict on Middle Eastern Economies, Moshe Dayan Center for Middle Eastern and African Studies, available at: <https://dayan.org/content/impact-covid-19-and-conflict-middle-eastern-economies>.
- Unger, David. (2016). "The Foreign Policy Legacy of Barack Obama". the International Spectator, Vol. 51(4).
- Xinchun, Niu(2014), "China's Interests in and Influence over the Middle East, trans. Haibing Xing, Contemporary International Relations, Vol. 24, No. 1.
- Young, Karen E(2019), The Gulf's Eastward Turn: The Logic of Gulf-China Economic Ties, Journal of Arabian Studies, 9:2.

### ج. وبسایت‌ها

- Saudi, UAE AND Qatar GDP(2021), Available at:<https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=AE-SA-QA>
- The Line (2022), The Future of Urban Living, available at: <https://www.neom.com/en-us/regions/theline>
- Unemployment total percent of labor force, Iraq, Iran, Saudi Arabia, Qatar, United Arab Emirates, Bahrain, Kuwait, Yemen, Oman and Jordan(2021), World Bank, Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.ZS?end=2021&locations=IQ-IR-SA-QA-AE-BH-KW-YE-OM-JO&start=2021&view=bar>
- Research and Development Expenditure(2022), United Arab Emirates, Saudi Arabia, Qatar, Israel, Kuwait and Iran, Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/GB.XPD.RSDV.GD.ZS?end=2020&locations=AE-SA-QA-IL-KW-IR&start=2020&view=bar>

